

دوم سموئیل ایش 11-12

**26** و چون زن اوریا شنید که شوهرش اوریا مرده است، برای شوهر خود ماتم گرفت.  
**27** و چون ایام ماتم گذشت، داود فرستاده، او را به خانه خود آورد و او زن وی شد، و برایش پسری زاید. اما کاری که داود کرده بود، در نظر خداوند ناپسند آمد.

**1** و خداوند ناتان را نزد داود فرستاد و نزد وی آمده، او را گفت که «در شهری دو مرد بودند، یکی دولتمند و دیگری فقیر.

**2** و دولتمند را گوسفند و گاو، بی نهایت بسیار بود.

**3** و فقیر را جز يك ماده بره کوچک نبود که آن را خریده، و پرورش داده، همراه وی و پسرانش بزرگ می شد؛ از خوراک وی می خورد و از کاسه او می نوشید و در آغوش می خوابید و برایش مثل دختر می بود.

**4** و مسافری نزد آن مرد دولتمند آمد و او را حیف آمد که از گوسفندان و گاوان خود بگیرد تا به جهت مسافری که نزد وی آمده بود مهیا سازد؛ و بره آن مرد فقیر را گرفته، برای آن مرد که نزد وی آمده بود، مهیا ساخت.»

**5** آنگاه خشم داود بر آن شخص افروخته شده، به ناتان گفت: «به حیات خداوند قسم، کسی که این کار را کرده است، مستوجب قتل است.»

**6** و چونکه این کار را کرده است و هیچ ترحم ننموده، بره را چهار چندان باید رد کند.»

**7** ناتان به داود گفت: «آن مرد تو هستی»

رومیان ایش 8

**18** زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است.

**19** زیرا که انتظار خلقت، منتظر ظهور پسران خدا می باشد،

**20** زیرا خلقت، مطیع بطالت شد، نه به اراده خود، بلکه بخاطر او که آن را مطیع گردانید،

**21** در امید که خود خلقت نیز از قید فساد خلاصی خواهد یافت تا در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود.

**22** زیرا می دانیم که تمام خلقت تا الآن با هم در آه کشیدن و درد زه می باشند.

**23** و نه این فقط، بلکه ما نیز که نوبر روح را یافته ایم، در خود آه می کشیم در انتظار پسرخواندگی، یعنی خلاصی جسم خود.

لوقا ایش 6

**36** پس رحیم باشید چنانکه پدر شما نیز رحیم است.

**37** داوری مکنید تا بر شما داوری نشود و حکم مکنید تا بر شما حکم نشود و عفو کنید تا آمرزیده شوید.

**38** بدهید تا به شما داده شود. زیرا پیمانانه نیکوی افشرده و جنبانیده و لبریز شده را در دامن شما خواهند گذارد. زیرا که به همان پیمانهای که می پیمایید برای شما پیموده خواهد شد.

**39** پس برای ایشان مثلی زد که آیا می تواندکور، کور را راهنمایی کند؟ آیا هر دو در حفراهی نمیافتند؟

**40** شاگرد از معلم خویش بهتر نیست لیکن هر که کامل شده باشد، مثل استاد خود بود.

**41** و چرا خسی را که در چشم برادر تو است می بینی و چوبی را که در چشم خود داری نمی بینی؟

**42** و چگونه بتوانی برادر خود را گویی ای برادر اجازت ده تا خس را از چشم تو برآورم و چوبی را که در چشم خود داری نمی بینی؟ ای ریاکار اول چوب را از چشم خود بیرون کن، آنگاه نیکو خواهی دید تا خس را از چشم برادر خود برآوری.